سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. کتاب قطور و کهنهٔ تاریخ، برگ‌هایی دارد، که بعضی، از رده خارج شده و بعضی دیگر هنوز تازه مانده‌اند و همچنان ورق می‌خورند. یکی از این برگ‌های همواره تازه، توهّم نماییِ ساحران است که هر دم به رنگی و هر لحظه به نیرنگی پیش می‌آیند.

۲. هزاران سال پیش، در میان بنی‌اسرائیل، جادوگرانی پیش آمدند و در برابر سخنان فطری آسمانی حضرت موسی علیه‌السلام صفی از هنرنمایی زمینی آراستند. خدای حکیم این رزم‌آوریِ ناکام را بدین گونه وصف می‌کند: "یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی." تحریک قوهٔ توهّم مردم، شاه نکتهٔ کار ساحران بود. و رمز پیشرفت کارشان در میان گروهی که با تعقّل بیگانه‌اند، چیزی جز این نبود.

۳. تاریخ تکرار می‌شود. هر زمانی ساحران به رنگ و نیرنگی تازه به میدان می‌آیند. و هر بار، توهّمی جدید بر اندیشهٔ مردم تحمیل می‌کنند. در این میان، شیطان با تمام یاران و شاگردان خود بیکار نمانده و پیوسته به دستیارانِ بی‌اجر و مزد خود شیوه‌هایی الهام می‌کند تا با حق طلبان، میدان درگیری جدیدی پدید آورند. خدای حکیم خبر می‌دهد: "و انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم. و ان اطعتموهم انکم لمشرکون." هشدار الهی را باید بسیار جدّی گرفت، که مقدمهٔ آن شناخت توطئهٔ شیاطین است.

۴. این رنگ و نیرنگ‌ها چنان مردمانِ بیگانه با تعقّل را به توهّم می‌برد که ایمان سلمان را به جای کفر ابلیس می‌نشانند و برعکس. باور کردنی نیست، امّا متأسفانه واقعیت دارد. به تاریخ اسلام بنگرید: چگونه فاسقان جای مؤمنان را گرفتند، و چگونه امیر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.1.5]

مؤمنان را خانه‌نشین کردند! واقعیتی بسیار تلخ که پرده‌ای از سوء اختیار مردمان را نشان می‌دهد. و دریغا! که بشر، سرِ عبرت گرفتن ندارد!

۵. در چنین فضایی، جای شگفتی ندارد که حضرت ابوطالب، وصّی پیامبران را مشرک بنامند، و فرزند ابوسفیان را – که وفادار به آن پدر مشرک بود- خلیفهٔ پیامبر! توهّم‌زایی در ذهن مردم بیش از این قابل تصوّر است؟

اگر آن روز، ساحران بنی‌اسرائیل این توهّم را در ذهنِ گروهی عوامِ درس ناخوانده و بیگانه با درس و اندیشه پدید آوردند؛ ساحران امّت خاتم، ذهنِ درس خواندگان و اصحاب قلم و دوات را سِحر کردند. و اگر سحر ساحران پیشین فقط برای زمانی محدود بر حاضران در آن مجلس اثر می‌نهاد، جادوی جادوگران اندیشه در این امّت، در درازنای سده‌ها، مجالس درس و صفحات کتابها را انباشته است.

۶. آن روز، ساحران برای رسیدن به کالای گذرای دنیا، فریب فرعون را خوردند و به مصاف پیامبر الهی آمدند، ولی با دیدن حقایق نورانی حضرت موسی علیه‌السلام ایمان آوردند: برای دنیا آمدند و به آخرت رسیدند. امّا جادوگران امت اسلام، با خواندن و شنیدن این همه فضائل آسمانی، همچنان بر طبل سخنان زمینی فاسد خود می‌کوبند و تکرار بافته‌های خود را بر توجّه به یافته‌های خردپسند، ترجیح می‌دهند. و چه باید کرد آنگاه که مخاطب، پنبه در گوش کرده و قصد شنیدن حقایق ندارد؟!

۷. حقایق را باید باز گفت. این پیام عقل و نقل است به کسانی که دل در گرو دین دارند و با تمام وجود به این حقیقت رسیده‌اند که: دین باور بودن راهی ندارد جز دین یاور شدن. وگرنه وقتی یاوه‌های شیطان زادگان تکرار شود و بدون پاسخ بماند، بسا در ذهن افرادی با ایمان‌های ضعیف چنین بیاورد که کلام، پاسخ نداشته است. به همین جهت، خدای حکیم به پیامبر رحمت امر می‌فرماید که به اهل ایمان تذکّر دهد، زیرا تذکر، ایمان آورندگان را سود می‌بخشد (**و ذکّر، فإنّ الذکری تنفع المؤمنین**).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.1.5]

۸. امام سجاد سلام الله علیه در دعایی سراسر نور و رحمت، به ما می‌آموزد که به درگاه الهی عرضه بداریم: "اللهم انی اعتذر الیک من مظلوم ظلم الیک بحضرتی فلم انصره". (صحیفه سجادیه، دعای ۳۸) انسان در این دعا، به درگاه خدایش، نسبت به بعضی امور، عذر می‌آورد، که در صدر آنها، دیدن مظلوم و یاری نکردن اوست. هر کس کمترین آشنایی با عظمت آسمانی ابوطالب سلام الله علیه از یک سوی، و سیل تهمت‌ها و افترائات به آن گرامی از سوی دیگر داشته باشد، مظلومیت قرون را در مورد آن جناب، به چشم می‌بیند. آنگاه آموزهٔ جاودانهٔ علوی را فرا دید می‌آورد که فرمود: "کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا".

۹. این شمارهٔ سفینه – و شاید شماره دیگر – پاسخی است به دو فراخوان الهی: فراخوان تذکّر حقایق به مؤمنان، و فراخوانِ یاری مظلوم. در میان دو واقعیت مانده بودیم: از یک سوی، تهی شدن نشریات – حتی نشریات تخصصی دینی – از یاد آن گرامی و دفاع از آن جناب؛ و از سوی دیگر، کوته دستیِ ما نسبت به مقام آسمانیِ آن وصیّ اوصیاء. چه می‌بایست کرد؟ در میان این دو محذور، راهی میانه برگزیدیم: کاری در حدّ توان ما، و نه در حدّ خواستهٔ ما، چه رسد به حدّ عظمت مقام جناب ابوطالب سلام الله علیه.

۱۰. اینک، در حالی که به ضعف و ناتوانی خود اقرار می‌آوریم، این برگهای خاضع و حروفِ شرمنده را به محضر مقدس پدر گرامی امامان نور پیشکش می‌بریم؛ و از این که خُردَک کاری است کم بها، عذر تقصیر می‌خواهیم.

می‌دانیم که شأن و مقام حضرتش بالاتر است از آنکه ما از ایمان آن بزرگ نورانی دفاع کنیم، که خود نمک پروردهٔ خوانِ ایمان اوییم. ولی چه کنیم؟ که ضرورت پاسخ‌گویی به یاوه‌های بافتهٔ دست سیاست‌های اموی و عباسی، ما را به موضع دفاع می‌کشاند.

در همین مجال، ضمن تقدیر و سپاس از حمایت معنوی کتابخانهٔ تخصصی حضرت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.1.5]

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در مشهد مقدس و مؤسسه حضرت ابوطالب علیه‌السلام در قم، دعای خیر حضرت بقیة الله اروحنا فداه را برای تمام نویسندگان و خوانندگان و دیگر همراهان خود در این سفر معنوی، از خدای متعال خواهانیم، و همچنان یاری و نقد و نظر صاحب نظران را چشم به راهیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.1.5]